

آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

مریم سعیدیان، حبیب‌رضا ارزانی، ** سعیده یراقی ***

چکیده

خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است. پراهمیت‌ترین کارکرد این نهاد، پرورش فرزندان و انتقال فرهنگ و ارزش‌ها به نسل بعدی است. در بین افراد تشکیل‌دهنده خانواده، نقش زنان، هم به لحاظ موقعیت فیزیولوژی هم به لحاظ موقعیت فرهنگی و اجتماعی، چه در جایگاه همسری و چه در جایگاه مادری، از اهمیت خاصی برخوردار است. با وجود این، در غرب، همزمان با مُدرنیت‌ه و پس از آن بر مبنای آموزه‌های فمینیستی و با نام دفاع از

* - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه اصفهان.

** - استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

*** - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، دانشکده اهل‌البیت، دانشگاه اصفهان.



حقوق زن، کارکردهای خانواده و موقعیت و جایگاه همسری و مادری دستخوش تغییرات وسیعی شده است.

این پژوهش در نظر دارد آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب را از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد واکاوی قرار دهد. برای این منظور، سخنان ایشان در زمینه خانواده در فرهنگ غرب جمع‌آوری و از طریق روش تحلیل تماتیک کدگذاری گردید و در مجموع ۵۰ کد استخراج شد. سپس سه مقوله با عناوین «جایگاه همسر در خانواده در فرهنگ غرب»، «جایگاه مادری در خانواده در فرهنگ غرب» و «آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب» از طریق روش تحلیل محتوا تحلیل گردید.

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که از دیدگاه ایشان، مؤلفه‌هایی از فرهنگ غرب، باعث سستی بنیان خانواده شده است؛ چراکه این فرهنگ هم به دلیل شناخت ناقص از هویت و شخصیت زن و هم به دلیل تعریف نقش‌هایی خارج از تکوین و خلقت زن برای او، ضعف شدید کارویژه‌های خانواده و به تبع آن، اثرات مخربی را در جامعه در پی داشته است. سبک کردن امر ازدواج، بی‌هویت کردن جوانان، پایین آمدن سن جنایت و افزایش رفتارهای غیراخلاقی مانند همجنس‌گرایی، در زمره این آسیب‌هاست. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آنچه باعث فروپاشی فرهنگ‌ها می‌شود، ضعف خانواده است؛ مسئله‌ای که فرهنگ غرب اکنون گرفتار آن شده است.

واژه‌های کلیدی

خانواده، فرهنگ غرب، آیت‌الله خامنه‌ای.



مقدمه

مُدرنیسم با موجی از تغییرات، خانواده را نیز بی نصیب نگذاشت. فمینیسم نیز از آثار مُدرنیسم و به تبع آن نظام سرمایه‌داری است که تلاش کرد تعریفی جدید از خانواده ارائه دهد. جنبش احیای حقوق زنان با مبانی برخاسته از فرهنگ غرب مانند اومانیسم و سکولاریسم، همسری و مادری، یعنی دو نقشی که در خانواده برای زنان شکل می‌گیرد را زیر سؤال برد و آنها را تضعیف کرد. این امر باعث به وجود آمدن بحران‌های جدی در چارچوب و کارکرد خانواده شد و به تبع آن جامعه را نیز دچار آسیب‌های فراوانی کرد. این آسیب‌ها تا حدی در بدنه جامعه رسوخ کرد که فرهنگ غرب خود به جبران این بحران برآمد و با ساختن فیلم‌هایی که خانواده را تقدیس می‌کند در صدد شد بیماری‌های اخلاقی اجتماعی را ترمیم کند.

این پژوهش دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی حاکم در فرهنگ را بررسی می‌کند. بسیاری از سخنرانی‌ها و بیانات ایشان حول وحوش مسائل مبتلابه زن و خانواده در فرهنگ غرب است که نشان از تسلط و توان علمی ایشان و شناخت ابعاد مختلف این موضوع دارد.

پیشینه تحقیق

در زمینه خانواده و مباحث مربوط به آن به خصوص تغییرات آن در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی انجام شده است؛ اما از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای صرفاً به جمع‌آوری مطالب و سخنان ایشان پرداخته شده است و تحلیل بیانات ایشان انجام نشده است. برای نمونه می‌توان به کتاب‌های نکته‌ها ناب که توسط حسن قدوسی زاده (۱۳۸۹)، کتاب فرهنگ در منظر آیت‌الله



خامنه‌ای که توسط امیر سیاهپوش و علی آقاپور (۱۳۹۰) و کتاب دغدغه‌های فرهنگی که توسط مرکز صهبا (۱۳۹۰) جمع‌آوری شده اشاره کرد. این پژوهش در نظر دارد از لحاظ کمی و کیفی به واکاوی سخنان ایشان درباره خانواده در غرب پردازد.

پرسش‌های پژوهش

سؤال اصلی در این پژوهش این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره موقعیت خانواده در غرب چگونه است؟

آیا خانواده در غرب توانسته است یکی از مهم‌ترین کارکردهای خویش یعنی تربیت فرزندان را به ظهور برساند؟

در این بین، سؤالات فرعی نیز مطرح است که سعی می‌شود در این پژوهش به آنها جواب داده شود از قبیل این که فمینیسم چه ارمغانی برای ابعاد خانوادگی به ارمغان آورد و چالش‌های آن با خانواده چیست.

روش‌شناسی پژوهش

نوع روش تحقیق

روش استفاده‌شده در این تحقیق، تحلیل محتوای کمی و تحلیل محتوای کیفی است. در این روش، هدف، بررسی محتوای درون متن است. تحلیل محتوا یک روش تحقیق برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها یا الگوهاست (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

منظور از تحلیل کمی تعیین واحدهایی است که برای هرگونه تحلیل محتوای پرحجم ضرورت دارد و شمارش اجزای آن را ممکن می‌سازد و



منظور از تحلیل کیفی تحلیل ارزیابی است؛ یعنی موضوع آن، قضاوت‌هایی است که گوینده در خلال گفتارش ابراز می‌کند (یزدخواستی، ۱۳۷۲: ۲۲).

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق متون به دست آمده از سخنرانی‌ها و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در طی سال‌های ۱۳۵۷ تا اردیبهشت ۱۳۹۲ است که از کتاب نکته‌های ناب نوشته حسن قدوسی زاده جمع‌آوری شده اما برای تکمیل کار از سایت ایشان استفاده گردید تا به تمام متن‌های راجع به موضوع دسترسی پیدا شود.

در این تحقیق از تمام متن‌ها که در واقع جامعه آماری هستند استفاده شده است؛ بنابراین از هیچ روش نمونه‌گیری استفاده نشد.

در این تحقیق ابتدا تمام متون مطالعه دقیق شدند. سپس قسمت‌هایی از متن که بدون ربط به موضوع بودند از متن حذف گردیدند. هم‌چنین به دلیل این که هم از سایت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده بود و هم از کتاب و ممکن بود متون تکراری وجود داشته باشد، بنابراین متن‌ها به دقت مطالعه و موارد تکراری حذف شدند و در نهایت متن‌ها تلخیص گردیدند. پس از آن نوبت به واحدهای سنجش رسید. واحد تحلیل در تحلیل محتوا کوچک‌ترین اجزای متن است که در آن رویدادها و توصیف مفاهیم (ویژگی و مقوله‌ها) بررسی می‌شوند (محمد پور، ۱۳۹۰: ۱۰۲). این واحدها می‌توانند لغات، جملات، سرمقاله‌ها و غیره باشند (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۲۰). در این تحقیق، واحد تحلیل «موضوع» بوده است. موضوع یعنی اظهاری واحد درباره چیزی (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۸۲).



بعد از تعیین واحد سنجش، وارد مرحله مقوله‌بندی می‌شویم. اساس تحلیل محتوا مقوله‌بندی پیام‌های یک سند است. هر مقوله باید نماینده یک متغیر مجزا که به اهداف پژوهش مربوط است باشد (گال و دیگران، ۱۳۸۲: ۶۱۹).

روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از روش اسنادی برای گردآوری داده‌ها و از جداول تحلیل محتوا برای کدگذاری استفاده شد.

در این پژوهش برای پاسخ به سؤالات تحقیق، ابتدا داده‌ها تحت عنوان کدگذاری باز و سپس تحت عنوان کدگذاری ثانویه قرار گرفتند و در نهایت مقوله‌ها شکل گرفتند. سپس هر مقوله با توجه به روش تحلیل کیفی واکاوی شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات ایشان با روش تحلیل تماتیک کدگذاری گردید که در جداول زیر نشان داده می‌شود:

جدول (۱): کدگذاری باز

کدگذاری باز	بیانات	منبع
جدایی زن از خانواده در فرهنگ غرب	نقش زن به عنوان همسر هم داستان بسیار طولانی دیگری است. دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می‌کند و با وعده‌های توهم آمیز بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه جامعه بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می‌کند. هم زن را تضعیف می‌کند هم خانواده را نابود می‌کند هم نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد دارد فاجعه ایجاد می‌کند و این امروز	۱۳۸۴ / ۵ / ۵



منبع	بیانات	کدگذاری باز
	در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه‌روز هم دارد بیشتر می‌شود و به شما عرض کنم این از آن سیل‌های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر می‌شود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه‌مدت چیزی فهمیده نمی‌شود. این‌ها چیزهایی است که صدساله و دویست‌ساله خودش را نشان می‌دهد و نشانه‌های این بحران‌های اخلاقی در غرب الان دارد بروز می‌کند.	
۱۳۷۵ / ۶ / ۲۸	بعضی کسان که ظاهر بینند به محیط اجتماعی در غرب می‌نگرند و می‌بینند زنان بدون هیچ پروایی در جوامع ظاهر می‌شوند؛ لذا خیال می‌کنند که آنها در داخل خانواده هم چنین بی‌پروایی را دارند؛ در حالی که این تصور اشتباه است و در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم می‌شود. اما اسلام مانع از چنین ظلمی در حق زن است. امروز اگر ما در جامعه‌مان کمبودی در این زمینه داریم باید مرتفع شود و حمایت قانونی از زن با کمال قوت و شدت انجام گیرد.	عدم احقاق حقوق زن در خانواده در فرهنگ غرب
۱۳۷۶ / ۴ / ۳۰	در فرهنگ غربی زن و مرد از لحاظ رفتارهای اجتماعی تفاوتی ندارند؛ اما طبق آمارهای قطعی زن در داخل خانواده مورد ظلم قرار می‌گیرد.	ظلم به زن در خانواده در فرهنگ غرب
۱۳۷۲ / ۹ / ۱۷	در غرب بنیاد خانواده متزلزل است و روابط سرد میان زن و شوهر حکم فرماست و از سوی دیگر در سطح جامعه غربی نیز زن نه به عنوان یک شخصیت مستقل بلکه به عنوان وسیله‌ای برای التذاذ مردان است و روال کلی بر این است که زن در این جوامع از هیچ تکریم ویژه‌ای برخوردار نیست و عرف فرهنگ غرب چنین چیزی را اقتضا می‌کند.	الف) تزلزل بنیاد خانواده در غرب ب) روابط سرد زن و شوهر در فرهنگ غرب
۱۳۷۶ / ۴ / ۳۰	بزرگ‌ترین ضربه به زن در فرهنگ غربی آن است که همسر او با زنان دیگر ارتباطات عاطفی جنسی و روابطی کاملاً صمیمی و خودمانی دارد در حالی که زن خواستار آن است که شریک زندگی او بیش از هر کس دیگری به او نزدیک باشد.	برقراری روابط عاطفی مرد با زنان بسیار در فرهنگ غرب

کدگذاری باز	بیانات	منبع
رنج خانواده‌ها از متلاشی شدن در فرهنگ غرب	امروز در دنیای غرب، خانواده بنیان بسیار سستی دارد. خانواده‌ها به خصوص زنان از جدایی و متلاشی شدن رنج می‌برند. اگر خانواده‌ای خدای ناکرده متلاشی شود هم مرد و هم زن هر دو سرگردان و آواره و ناراحت می‌شوند و رنج می‌بینند؛ اما در این میان زن بیشتر رنج می‌بیند. امروز در دنیای غرب زنان دچار این رنجند؛ چون خانواده‌ها به آسانی به هم می‌خورند، متلاشی می‌شوند و از بین می‌روند. گاهی خود زنان اقدام به فروپاشی کانون خانواده می‌کنند؛ اما خود آنها هم چوبش را بیشتر می‌خورند.	۱۳۷۵ / ۶ / ۲۸
خارج شدن خانواده از معنای واقعی خویش	دامن زدن به مسئله شهوت - که متمرکز بود روی مسئله زن‌ها و امروز می‌بینید که در دنیا بدتر از اینها دارد می‌شود، این مسئله همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی و این ازدواج‌ها و خانواده‌های دو جنس مشابه و مانند اینها - اینها چیزهایی است که به زبان آسان می‌آید؛ اینها چاله‌های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره می‌کنند و پیش می‌برند؛ لغزشگاه عجیبی است.	۱۳۹۲ / ۲ / ۲۱
دوری از خانواده عامل ناآرامی‌های جوانان	وجود نوجوانان تبهکار جنایتکار معتاد و فاسد در جوامع غربی ناشی از اهمیت ندادن زنان به خانواده و تربیت صحیح فرزندان است.	۱۳۷۵ / ۱۲ / ۲۰
از بین رفتن کارکرد خانواده در فرهنگ غرب	در دنیای غرب و به خصوص در امریکا بنیان خانواده متزلزل است. علت این است که در آن جاها آزادی جنسی زیادتر است. وقتی بی‌عفتی رایج شد یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده تأمین کردند این کانون چیز بی‌معناست، یک چیز تشریفاتی و تحمیلی است.	۱۳۷۰ / ۴ / ۲۰
سبک شدن امر ازدواج در فرهنگ غرب	یکی از گناهان کبیره تمدن غرب نسبت به بشریت این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرد، تشکیل خانواده را کوچک کرد.	۱۳۷۶ / ۶ / ۱۸



منبع	بیانات	کد گذاری باز
۱۳۷۸ / ۱ / ۲۲	خانواده‌ها آنجا گرم نیست. خانواده اصلاً آنجا واقعیت ندارد. یک مرد و زن با هم توی یک فضایی زندگی می‌کنند اما از هم جدایند. آن نشست و برخاست‌های خانوادگی، آن محبت‌های خانوادگی، آن انس‌های فراوان به هم، این‌که مرد خودش را محتاج به زنش ببیند این‌ها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قراردادی که فقط در یک خانه‌ای زندگی می‌کنند. اسمش هم هست که با عشق شروع می‌شود.	قرارداد اجتماعی به جای محبت زناشویی، رسم خانواده‌های فرهنگ غرب
۱۳۷۲ / ۱۰ / ۲۰	در دنیای غرب با این‌که بسیاری از آنها از علم و ثروت و سیاست‌های قوی در صدر حکومت‌ها برخوردار هستند، لیکن زندگی آحاد مردم در مقیاس خانواده زندگی بسیار رقت‌باری است. این اجتماعات فامیلی، این‌که بزرگ‌ترهای فامیل و کوچک‌ترهای فامیل دور هم جمع شوند، به هم محبت و وزنند، با هم تبادل عاطفی داشته باشند، به هم کمک کنند، به هم برسند، همدیگر را از خود بدانند، برادر با برادر، خانواده‌ها با هم یگانه و یکی باشند، این‌طور چیزهایی که الان بین ماها رایج است در غرب از این چیزها خبری نیست.	زندگی رقت بار خانوادگی در فرهنگ غرب
۱۳۸۴ / ۵ / ۵	هرجا سخن از تضعیف خانواده است نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هرجا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه‌آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام می‌دهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست، خیانت به زن است.	تضعیف نقش مادر در فرزندپروری در پرتو حمایت از زن در فرهنگ غرب
۱۳۶۳ / ۱۲ / ۲۱	زن اگر فاسد شد احتیاج نیست مردها را فاسد کنند؛ مردها به خودی خود فاسد می‌شوند. اگر زن یک نسل فاسد شد هیچ لزومی ندارد که با سرمایه‌گذاری مردهای آن نسل را فاسد کنند. طولی نمی‌کشد که تمام مردهای آن نسل فاسد می‌شوند؛ زیرا زن تربیت‌کننده است. حال تربیت‌کننده انسان‌های با فضیلت و شجاع است یا انسان‌های بی‌ارزش و بی‌ایده‌آل.	نقش مربی‌گری زن



منبع	بیانات	کدگذاری باز
۱۳۸۴/۵/۵	مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود با روح خود با خلق خود و با رفتار خود دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می‌شود پایه بهشتی شدنش از مادر است که «الجنة تحت اقدام الأمهات».	نقش مادر در انتقال فرهنگ به نسل بعدی
۱۳۸۴/۵/۵	نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه‌های خاص مادراة مادر است.	مادری نقشی برای تمام عمر
۱۳۶۳/۱۲/۲۱	مادران یعنی زنان جامعه که مهم‌ترین حیثیت آنها مادری است باید اصلاح شوند تا تاریخ و آینده اصلاح شود.	مادران، تأثیرگذاران در تاریخ
۱۳۹۱/۴/۲۱	فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی‌هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی بمرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت.	خانواده منحل، غرق‌کننده فرهنگ غرب
۱۳۹۲/۲/۲۱	این مسئله جاذبه جنسی و خطر جاذبه جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، خیلی بایستی جدی گرفت.	جاذبه‌های جنسی تهدیدی برای خانواده‌ها در فرهنگ غرب
۱۳۷۹/۶/۳۰	فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق موجب شده است که خانواده سست شود. بنیان خانواده متزلزل شود. به زن و مرد در داخل خانواده خیانت به یکدیگر برایشان خیلی مهم شمرده نشود.	ابتذال زنان عامل سستی خانواده در غرب
۱۳۷۰/۱۰/۴	نگرش نادرست جهان امروز به هویت و شخصیت واقعی زن و مرد و چگونگی روابط و همزیستی میان آنان عامل اصلی به وجود آمدن بحران	نگرش نادرست به زن و مرد



منبع	بیانات	کدگذاری باز
	خانواده است و تحقیر و اهانت به شخصیت حقیقی زن در فرهنگ اروپایی و آمریکایی دلیلی بر ابتدال دنیای به اصطلاح متمدن غرب است.	علت بحران خانواده در فرهنگ غرب
۱۳۷۶/۷/۳۰	مسئله اصلی زن آن مسئله اساسی است که متأسفانه امروز در غرب از بین رفته است و این همان احساس آرامش و امنیت و امکان بروز استعداد برای زنان و ستم نکردن به زن در جامعه، خانواده و خانه شوهر و پدر است.	عدم آرامش و امنیت زن در فرهنگ غرب
۱۳۶۸/۹/۱۵	خانواده محل آسایش انسان است. مردم غرب از سست بودن بنیان خانواده نگرانند و زنان و مردان در یک حد از متلاشی شدن خانواده‌ها رنج می‌برند و این خود آخرین ضربه‌ای است که فرهنگ غربی بر انسان‌ها وارد کرده است.	ضربه به آسایش خانواده در فرهنگ غرب
۱۳۹۰/۱۰/۱۴	خانواده نقطه ضعف غرب است. مسئله زن را مطرح می‌کنند اما اصلاً اسم خانواده را نمی‌آورند. زن از خانواده جدا نیست.	خانواده نقطه ضعف غرب
۱۳۷۴/۸/۲۲	پوسیدگی بنیان خانواده در جوامع غربی و وابسته نبودن زن و شوهر به یکدیگر از عوارض مسئله بی‌حجابی و بی‌بندوباری است و اسلام مسئله حجاب را بسیار حکیمانه بررسی کرده است. حجاب در قلمرو زندگی خصوصی زن و مرد مطرح است.	سستی بنیان خانواده در اثر بی‌حجابی در فرهنگ غرب
۱۳۶۷/۱۱/۸	مشکل اصلی زن این نیست که چرا نمی‌گذارند در منظر مردان دیوانه جلوه‌گری و دلربایی کند، مشکل اصلی زن این است که در اساسی‌ترین و فطری‌ترین نیازهایش یعنی نیاز مادری و نیاز همسری، نیاز عاطفه و محبت نسبت به نزدیکانش این‌طور دچار ناکامی و وحشی‌گری و اذیت و فشار بشود و این چیزی است که امروز در دنیای غرب وجود دارد.	ناکامی زن در اساسی‌ترین نیازهایش در فرهنگ غرب
۱۳۷۵/۶/۲۸	امروز معضل بزرگی در ارتباط با قشر زن نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان وجود دارد. آن معضل این است که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان در بعضی از بخش‌های زندگی کوتاهی یا تعرض انجام می‌گیرد؛ یعنی به زنان ظلم می‌شود. بعضی تصور می‌کنند این ویژگی مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است؛	ظلم به زن علی‌رغم ادعای حقوقی فرهنگ غرب



منبع	بیانات	کدگذاری باز
	این تصوّر اشتباه است. ظلم به زنان در کشورهای غربی با همه ادعاهایی که نسبت به زنان دارند اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد کمتر نیست. آمارهایی مبنی بر آزار زنان در خانواده از طرف مردان چه شوهر چه پدر و چه برادر وجود دارد که من این آمارهای تکان‌دهنده را دیده‌ام؛ واقعاً انسان را دچار تعجب می‌کند.	
۱۳۷۶/۱۱/۹	در جوامع غربی جوان‌ها دوره نشاط جوانی و تندی احساسات و غرایز را آزادانه می‌گذارند و وقتی به خانواده و به ازدواج می‌رسند که در واقع بخش زیادی از میل طبیعی آنها و غرایز آنها فرو ننشسته است. آن شوق و محبت و عشقی که باید در اعماق روح زن و شوهر جایگزین شود در این‌ها نیست یا کم است.	پیامدهای ازدواج در پرتو آزادی غرایز جنسی در فرهنگ غرب
۱۳۷۹ /۸/۳	در دنیای غرب بنیان خانواده متزلزل است. خانواده‌ها دیر تشکیل می‌شوند و زود منهدم می‌شوند. فساد و فحشا روز به روز بیشتر می‌شود. اگر این اتفاق به طور کامل بیفتد آن جامعه به بلیات عظیمی دچار خواهد شد. البته این طور بیماری‌ها و گرفتاری‌ها چیزهایی نیست که ظرف پنج سال یا ده سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سال‌های متمادی وقتی که اثر گذاشت یک جامعه را به کلی منهدم و نابود می‌کند، ثروت‌های علمی، فکری و مادی و همه چیز را از بین می‌برد.	فساد و فحشا آتش زیر خاکستر برای فرهنگ
۱۳۷۶ /۶/۱۰	جامعه آمریکا دچار بحران شدید هویت فرهنگی و شخصیتی است و به علت از بین رفتن پایه‌های اخلاق از درون در حال متلاشی شدن است و مسئولان این کشور برای غلبه بر این گسستگی خطرناک درونی دست به ایدئولوژی‌سازی و صدور ایدئولوژی زده‌اند.	بحران هویتی در نتیجه از بین رفتن اخلاق
۱۳۹۱ /۷/ ۲۳	عادی شدن گناه بزرگ همجنس‌بازی در غرب فروپاشی خانواده و بحران‌ها و مشکلات عمیق دیگر در کشورهای غربی و کشورهای مقلد فرهنگ غرب است. پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است اما باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آفرین هویت‌زدای ضد معنویت» است.	سبک زندگی شهوت‌آلود غرب عامل هویت‌زدا در این فرهنگ



منبع	بیانات	کدگذاری باز
۱۳۸۳ / ۱۰ / ۱۷	رواج همجنس‌بازی، نابودی خانواده، کثرت کودکان خیابان خواب و رشد جنایت کودکان و نوجوانان را مشاهده می‌کنند و می‌دانند که این وضعیت حتی کشوری با تمدن آمریکایی را با این همه پیشرفت علمی و فناوری در آینده‌ای نه چندان دور به زمین خواهد زد.	نابودی فرهنگ‌ها در پرتو توجه دادن بی‌نظم به طبیعت انسانی
۱۳۷۴ / ۲ / ۲۸	امروز آنچه در کشورهای غربی مشاهده می‌شود عبارت است از: نسل‌های بی‌هویت، نسل‌های درمانده و سرگشته، پدر و مادرهایی که از فرزندانشان سال‌ها خبر ندارند، خانواده‌های متلاشی و انسان‌های تنها.	نسل‌های وامانده از اثرات تخریبی فرهنگ غرب
۱۳۷۹ / ۴ / ۲۲	اگر در برخی کشورهای غربی فرزند و پدر در یک شهر زندگی می‌کنند اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمی‌پرسد، خانواده‌ها دور هم جمع نمی‌شوند، کودکان از عطف‌های پدرا نه و مادرانه برخوردار نمی‌شوند، زن و شوهرها جز به موجب یک قرارداد موقت کنار هم نمی‌نشینند؛ زن یک جا کار دارد مرد یک جا کار دارد و غیره. این‌ها دیگر نشانه‌های پسرفت است.	نشانه‌های پسرفت خانواده در فرهنگ غرب
۱۳۷۹ / ۱۱ / ۱۷	یکی از مشکلات دنیای غرب که به تدریج پایه‌های تمدن غرب را مثل موریا نه می‌خورد و علی‌رغم پیشرفت‌های صنعتی و علمی اش مُشرف به سقوط و هلاکت است - البته در بلندمدت - همین قضیه بی‌توجهی به خانواده است. نتوانستند خانواده را حفظ کنند. در غرب خانواده غریب، مورد بی‌اعتنایی و تحقیر شده است.	سقوط فرهنگ غرب به دلیل تحقیر خانواده
۱۳۷۶ / ۷ / ۳	امروز یکی از بزرگ‌ترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده مسئله خانواده است. این بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت‌های افراطی از آن طرف که در مقابل افراط‌های قبلی انجام گرفت بر جامعه بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد.	رفتارهای افراطی و تفریطی در غرب، عامل انحطاط خانواده
۱۳۹۲ / ۲ / ۲۱	آمریکایی‌ها دارند دنبال می‌کنند که از کتاب‌های فلان نویسنده مثلاً رمان‌نویس خانواده‌نویس - که رمان‌هایش اطراف خانواده است - فیلم درست کنند برای این‌که بکشانشان جهت فیلمسازی و	چاره‌جویی فرهنگ غرب در زمینه



منبع	بیانات	کدگذاری باز
	فیلمبرداری و سینما و مانند اینها را به این جهت؛ خوب، یک کارهایی هم کرده‌اند، دارند هم می‌کنند؛ اما اینها مثل یک جریان‌های باریکی است در مقابل یک سیل عظیمی که خودشان به دست خودشان راه انداختند و دچارشان کرده است و بعد از این بیشتر دچارشان خواهد کرد. ما البته نسبت به این قضیه فعلاً یک مصونیه مایی (۱) داریم - به خاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - منتها این را نبایستی دست کم گرفت، بایستی این را به جد اهمیت داد.	آسیب‌های خانوادگی
۱۳۶۵/۷/۱۹	اگر مرد و زن در غیر محیط خانواده، در محیط اجتماع ... به لذات جنسی و تمتعات جنسی خود سرگرم شوند، بزرگ‌ترین ضایعاتی که به وجود می‌آید این است که پیوند قوی میان زن و مرد و میان محیط خانواده پاره می‌شود و از بین می‌رود.	آسیب ارتباط بین زن و مرد در صورت اشباع لذات جنسی در محیطی غیر از خانواده
۱۳۶۵/۷/۱۹	وقتی بی‌بندوباری جنسی در جامعه به وجود آمد، زن و مرد به محیط خانواده علاقه‌ای نخواهد داشت، جوان به تشکیل خانواده رغبتی ندارد، دختر و پسر به ازدواج دیگر علاقه‌ای ندارند و سن ازدواج، سن دیری است.	زیر بار ازدواج نرفتن در جامعه بی‌بندوبار
۱۳۶۵/۷/۱۹	اگر خانواده قوی بود، زمینه فساد در جامعه رشد پیدا نمی‌کند. این یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اسلام است برای این که در سطح جامعه بی‌بندوباری جنسی و برآمدن شهوات به صورت آزاد و بی‌قید و شرط وجود نداشته باشد.	جامعه قوی در ازای داشتن خانواده‌های قوی
۱۳۷۳/۹/۲	خانواده‌ها آن جا اصلاً گرم نیست، خانواده اصلاً آن جا واقعیت ندارد. یک زن و مرد با هم توی یک فضایی زندگی می‌کنند اما از هم جدا هستند. دو نفر به صورت قراردادی با هم زندگی می‌کنند.	غیر واقعی بودن خانواده در غرب
۱۳۷۶/۹/۱۱	همین طور سطح جنایت‌ها دارد پایین می‌آید. وقتی جامعه به این جا رسید تقریباً غیر قابل جمع کردن است.	پایین آمدن سن جنایت در جامعه فاسد



منبع	بیانات	کدگذاری باز
۱۳۷۷/۱/۲۶	انتقال فرهنگ و تمدن‌ها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در جامعه و انتقالش به نسل‌های بعد، به برکت خانواده انجام می‌شود. خانواده که نبود همه چیز متلاشی می‌شود. این که می‌بینید غربی‌ها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی می‌کنند شهوترانی و فساد را رواج دهند برای چیست. یکی از علل آن همین است که می‌خواهند با این کارها خانواده‌ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود تا بتوانند سوار این‌ها شوند.	خانواده، محملی برای انتقال فرهنگ و تمدن به نسل بعد

جدول (۲): کدگذاری متمرکز و تشکیل مقوله

کدگذاری باز	کدگذاری متمرکز	تعداد	مقوله
۱۳۸۴/۵/۵ جلدایی زن از خانواده در فرهنگ غرب ۱۳۷۵/۶/۲۸ عدم احقاق حقوق زن در خانواده در فرهنگ غرب ۱۳۷۶/۴/۳۰ ظلم به زن در خانواده در فرهنگ غرب ۱۳۷۲/۹/۱۷ روابط سرد زن و شوهر در فرهنگ غرب ۱۳۷۶/۴/۳۰ برقراری روابط عاطفی مرد با زنان بسیار در فرهنگ غرب ۱۳۷۵/۶/۲۸ رنج خانواده‌ها از متلاشی شدن در فرهنگ غرب ۱۳۷۸/۱/۲۲ قرارداد اجتماعی به جای محبت رناشویی، رسم	جایگاه زن در فرهنگ غرب	۱۰	



مقوله	تعداد	کدگذاری متمرکز	کدگذاری باز
آسیب شناسی خانواده در فرهنگ غرب	۶	جایگاه مادری در فرهنگ غرب	خانواده‌های فرهنگ غرب ۱۳۷۶/۷/۳۰ عدم آرامش و امنیت زن در فرهنگ غرب ۱۳۶۷/۱۱/۸ ناکامی زن در اساسی‌ترین نیازهایش در فرهنگ غرب ۱۳۷۳/۹/۲ غیر واقعی بودن خانواده در غرب
			۱۳۸۴/۵/۵ تضعیف نقش مادر در فرزند پروری در پرتو حمایت از زن در فرهنگ غرب ۱۳۶۳/۱۲/۲۱ نقش مربی‌گری زن ۱۳۸۴/۵/۵ نقش مادر در انتقال فرهنگ به نسل بعدی ۱۳۸۴/۵/۵ مادری نقشی برای تمام عمر ۱۳۶۳/۱۲/۲۱ مادران، تأثیر گذاران در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۲۶ خانواده، محملی برای انتقال فرهنگ و تمدن به نسل بعد
			۱۳۷۲/۹/۱۷ تزلزل بنیاد خانواده در غرب ۱۳۹۲/۲/۲۱ خارج شدن خانواده از معنای واقعی خویش ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ دوری از خانواده عامل ناآرامی‌های جوانان ۱۳۷۰/۴/۲۰ از بین رفتن



مقوله	تعداد	کدگذاری متمرکز	کدگذاری باز
	۲۸	اختلالات خانواده در فرهنگ غرب	<p>کارکرد خانواده در فرهنگ غرب</p> <p>۱۸ / ۶ / ۱۳۷۶ سبک شدن امر ازدواج در فرهنگ غرب</p> <p>۲۰ / ۱۰ / ۱۳۷۲ از زندگی رقت بار خانوادگی در فرهنگ غرب</p> <p>۲۱ / ۴ / ۱۳۹۱ خانواده منحنط، غرق کننده فرهنگ غرب</p> <p>۲۱ / ۲ / ۱۳۹۲ جاذبه های جنسی تهدیدی برای خانواده ها در فرهنگ غرب</p> <p>۳۰ / ۶ / ۱۳۷۹ ابتذال زنان عامل سستی خانواده در غرب</p> <p>۴ / ۱۰ / ۱۳۷۰ نگرش نادرست به زن و مرد علت بحران خانواده در فرهنگ غرب</p> <p>۱۵ / ۹ / ۱۳۶۸ ضربه به آسایش خانواده در فرهنگ غرب</p> <p>۱۴ / ۱۰ / ۱۳۹۰ خانواده نقطه ضعف غرب</p> <p>۲۲ / ۸ / ۱۳۷۴ سستی بنیان خانواده در اثر بی حجابی در فرهنگ غرب</p> <p>۲۸ / ۶ / ۱۳۷۵ ظلم به زن علی رغم ادعای حقوقی فرهنگ غرب</p> <p>۹ / ۱۱ / ۱۳۷۶ پیامدهای ازدواج در پرتو آزادی غرایز جنسی در فرهنگ غرب</p>



مقوله	تعداد	کدگذاری متمرکز	کدگذاری باز
			۱۳۷۹/۸/۳ فساد و فحشا آتش زیر خاکستر برای فرهنگ
			۱۳۷۶/۶/۱۰ بحران هویتی در نتیجه از بین رفتن اخلاق
			۱۳۹۱/۷/۲۳ سبک زندگی شبهت آلود غرب عامل هویت زدا در این فرهنگ
			۱۳۸۳/۱۰/۱۷ نــــابودی فرهنگ ها در پرتو توجه دادن بی نظم به طبیعیات انسانی
			۱۳۷۴/۲/۲۸ نسل های وامانده از اثرات تخریبی فرهنگ غرب
			۱۳۷۹/۴/۲۲ نشانه های پسرفت خانواده در فرهنگ غرب
			۱۳۷۹/۱۱/۱۷ سقوط فرهنگ غرب به دلیل تحقیر خانواده
			۱۳۷۶/۷/۳ رفتارهای افراطی و تفریطی در غرب، عامل انحطاط خانواده
			۱۳۹۲/۲/۲۱ چاره جویی فرهنگ غرب در زمینه آسیب های خانوادگی
			۱۳۶۵/۷/۱۹ آسیب ارتباط بین زن و مرد در صورت اشباع لذات جنسی در محیطی غیر از خانواده
			۱۳۶۵/۷/۱۹ زیر بار ازدواج نرفتن در جامعه بی بندوبار
			۱۳۶۵/۷/۱۹ جامعه قوی در

مقوله	تعداد	کدگذاری متمرکز	کدگذاری باز
			ازای داشتن خانواده‌های قوی ۱۳/۹/۱۱ پایین آمدن سن جنایت در جوامع فاسد
	۴۴		جمع

تحلیل کمی و کیفی مقوله پژوهش

آنچه که از تحلیل سخنان آیت‌الله خامنه‌ای به دست آمد مقوله‌ای با نام «آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب» است که خود دارای سه شاخص اصلی است. این شاخص‌ها عبارتند از:

شاخص اول: جایگاه همسر در فرهنگ غرب؛

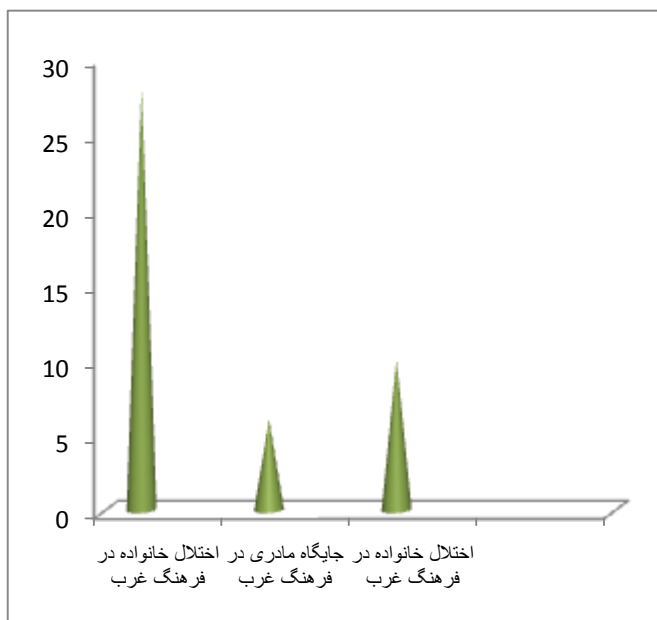
شاخص دوم: جایگاه مادری در فرهنگ غرب؛

شاخص سوم: چالش‌های همسری و فرزندان در فرهنگ غرب.

آنچه که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای درباره خانواده در فرهنگ غرب مد نظر بوده، آسیبی است که این فرهنگ با برخی از مؤلفه‌های خود به چارچوب خانواده وارد کرده و باعث اختلال کارکردهای آن شده است. جایگاهی که همسران در خانواده دارند، اهمیت و اعتباری که نقش مادری دارد و در نهایت اثری که این خانواده با ویژگی‌های خود روی فرزندان و تربیت آنها دارد، همگی نشان نوعی بیماری و آسیب در فرهنگ غرب است.



نمودار (۱)



خانواده متشکل از روابط بین همسران در یک بُعد و روابط فرزندان با والدین در بُعدی دیگر است که در همه ابعاد روابط خانوادگی نقش زن به عنوان نقشی محوری مطرح است. ویلیام آگبرن و کلارک تیستس در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اساسی خانواده را مورد تأکید قرار دادند که عبارتند از: تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم روابط جنسی، عاطفه و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی (بستان، ۱۳۸۴: ۶۷).

برای رسیدن به کارکردهای خانواده، زن و مرد هر دو نقش‌هایی را بر دوش دارند. در رویکرد دینی، تفکیک نقش‌ها از یک سو بر تفاوت‌های طبیعی و از سوی دیگر بر پایه دستوره‌های فقهی و اخلاقی مبتنی است.

دسته‌ای از ویژگی‌های روانشناختی و زیست‌شناختی در زنان و مردان وجود دارد که موجب شده قواعد دینی، نقش‌های متفاوتی را برای آنان در نظر بگیرد و در نهایت هدف از این نقش‌ها نیز سازماندهی خانواده است (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۲۵).

خانواده مهم‌ترین بستر رشد و نمو شخصیت انسان است. تثبیت شخصیت به معنای نقشی است که خانواده در کمک و حمایت عاطفی از اعضای بزرگسال خود بر عهده دارد. ازدواج بین زنان و مردان بالغ قرار و مداری است که از طریق آن شخصیت افراد بزرگسال مورد حمایت قرار می‌گیرد و سالم می‌ماند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۴).

ولیهلم هنریش ریل، از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی خانواده در قرن نوزدهم، معتقد است که زیربنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد. برای بقای خانواده، تقسیم کار و تفکیک نقش‌ها ضرورتی بی‌بدیل است و تقسیم نقش‌ها نظام سلسه‌مراتبی را می‌آفریند. از نگاه وی، باید اعضای خانواده نظام سلسه‌مراتبی را بپذیرند و پیروی از رهبری در خانواده را باید حمایت کرد. در نظریه وی که به «اصالت حق طبیعی» شهرت یافته است، نظام سلسه‌مراتبی با طبیعت مردانه و زنانه هماهنگ است. طبیعت مرد به مدیریت و طبیعت زن به مدیریت‌پذیری متمایل است (مهدوی، ۱۳۸۳).

اما مُدرنیسم با ویژگی‌هایی که داشت ساخت و شکل خانواده را تغییر داد. این تغییرات منجر به تغییر کارکرد خانواده نیز شد. در این بین فمینیسم نیز با به میدان آمدن توانست روند این تغییرات را شدت بخشد و عده‌ای را نیز با خود همراه کند.

تا پیش از مُدرنیته نظم موجود در خانواده و اجتماع امری طبیعی و صحیح به شمار می‌آمد. اقتدار مرد و اطاعت از او تنها شیوه‌ی موجه زندگی

خانوادگی بود؛ اما مُدرنیتَه نظم گذشته را زیر سؤال برد. در مُدرنیتَه بر اساس عقل انسانی هرگونه قضاوت و تبعیض باید به محک عقل بشری مورد سنجش قرار گیرد. در این بین، زنان با این سؤال مواجه هستند که چرا مردان باید بر زنان مسلط باشند؟ چرا زنان ملزم به اطاعت از مردان هستند؟ (رودگر، ۱۳۸۸: ۳۸). از طرفی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های مُدرنیسم یعنی فردگرایی که خود مولود لیبرالیسم بود در کنار تأثیرات عمیقی که در ابعاد مختلف حیات اجتماعی به جای گذاشت نهاد خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داد (اسفندیاری، ۱۳۸۷). گفتار فمینیستی در این مرحله به گفته فلکسنر متناسب با «روحیه عصر» و تحت تأثیر گفتار مُدرن با مفاهیمی چون خردگرایی، انسان‌مداری، فردیت، برابری و آزادی قرار داشت (مشیرزاده، به نقل از: کات، ۱۳۸۱).

فمینیست‌ها یکی از راه‌های رهایی زنان از دست مردان را رهایی از کارویژه‌های خانوادگی می‌دانستند و معتقد بودند خانواده یکی از مهم‌ترین جایگاه‌هایی است که به زنان ظلم می‌شود. فمینیسم رادیکال معتقد است زنان تحت ظلم و ستم قرار دارند که محصول نظام مقتدری به نام مردسالاری است که در آن زنان تحت سلطه مردان قرار دارند و این تسلط از خانواده شروع می‌شود و به اجتماع راه می‌یابد. از جمله این فمینیست‌ها می‌توان به شولامیث فایرستون، آن اکلای و سیمون دوبوار اشاره کرد (رودگر، ۱۳۸۲: ۸۲). عواملی که باعث می‌شود فمینیست‌ها به مبحث خانواده توجه کنند این است که اولاً خانواده محل و مظهر تفکیک نقش‌هاست و مهم‌ترین ملاکی که این تفکیک بر اساس آن صورت می‌گیرد جنسیت است (هام، گمبل، ۱۳۸۲: ۱۱۴). ثانیاً نقش مهم مادری در خانواده شکل



می‌گیرد و چون بحث مادری با فیزیولوژی زن در ارتباط است و یک امر طبیعی است؛ بنابراین باعث می‌شود زنان تحت قید و بندهایی قرار گیرند.

جایگاه همسر در خانواده غربی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای زن در خانواده‌های غربی علی‌رغم ظاهر فریبنده اجتماعی تنها و بی‌پناه رها شده است (برگرفته از بیانات در ۲۸ / ۶ / ۱۳۷۵). از ویژگی‌هایی که آیت‌الله خامنه‌ای برای جایگاه زن در خانواده به عنوان همسر نام می‌برند به این موارد می‌توان اشاره کرد:

قراردادی بودن زندگی زناشویی به جای احساس همدلی و مودت

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای «یک مرد و زن با هم توی یک فضای زندگی می‌کنند اما از هم جدایند. آن نشست و برخاست‌های خانوادگی، آن محبت‌های خانوادگی، آن آنس‌های فراوان به هم، این که مرد خودش را محتاج به زنش ببیند این‌ها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قراردادی که فقط در یک خانه‌ای زندگی می‌کنند» (بیانات در ۲۲ / ۱ / ۱۳۷۸). در دیدگاه دینی، ازدواج با یک پیوند بین زن و مرد بر اساس میل عاطفی و اشباع نیازهای جسمانی و برای رسیدن به آرامش انجام می‌شود (سوره مبارکه

۱- در دیدگاه تعینی بیولوژیکی، مادر بودن را سرنوشت طبیعی و بیولوژیکی زنان می‌دانند. در چنین رویکردی، رفتار مادری کارکرد غریزه مادری است که در طبیعت و بیولوژی انسان ریشه دارد؛ اما در رویکردهای معاصر به جنسیت، مادری، نمودی از ارتباطات است که در فضای تاریخی، اجتماعی و اقتصادی و حتی نژادی قابل تغییر است. بنابراین مادری تجربه‌ای ساخت یافته و واقعیتی زنده است که متأثر از موقعیت محدود شده زنان است (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۱۶۷ به نقل از: چادلو و گلن).

روم، آیه ۲۱). غرب بر اساس اندیشه «آزادی مطلق» و «فردگرایی» اساس تشکیل خانواده که بر اساس امنیت و تأمین نیازهای عاطفی است را به هم ریخته است (احسانی، ۱۳۸۳). وقتی زنان و دختران آزادانه خود را در اختیار مردان قرار می‌دهند و دسترسی به ارضای نیاز جنسی راحت و بی‌دردسر باشد، بنابراین پایبندی به چارچوب خانواده معنا و مفهومی ندارد و بدین ترتیب روابط محکمی که باید بین همسران برقرار شود، از بین می‌رود. زندگی در قالب ازدواج ولی بدون مودت و رحمت بین زوجین، خود، آسیب‌های دیگری را به همراه دارد؛ از جمله:

روابط سرد بین زن و شوهر

«در غرب روابط سردی بین زن و شوهر حکم فرماست و روال کلی این است که زن از احترام ویژه‌ای برخوردار نیست» (بیانات در ۱۳۷۲/۹/۱۷). به نظر می‌رسد که وقتی فرهنگی در جامعه شکل گرفته، ریشه‌های آن را باید در خانواده جستجو کرد. اگر روال کلی عدم تکریم و احترام به زن در جامعه غالب باشد، این نشان از یک بی‌اهمیتی به جنس زن در خانواده‌ها دارد؛ چراکه ریشه فرهنگ‌ها و انتقال مفاهیم ارزشی یا ضد ارزشی از خانواده شروع می‌شود.

این سردی روابط خود آسیب دیگری را به همراه دارد که عبارت است از:

ارتباط مردان با زنان دیگر در خارج از چارچوب خانواده

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بزرگ‌ترین ضربه‌ای که به زن در فرهنگ غربی وارد می‌شود ارتباط عاطفی و جنسی همسر او با زنان دیگر در خارج از خانواده است و این در حالی است که زن خواستار آن است که شریک زندگی او بیش از هر کس دیگری به او نزدیک باشد (برگرفته از بیانات در

۳۰ / ۴ / ۱۳۷۶). بدین ترتیب، یک دور معیوبی ایجاد می‌شود که هم زن و هم مرد نیازهای عاطفی و جسمی خود را خارج از خانواده دنبال کنند و نتیجه‌ای جز ضعف و معیوب کردن خانواده ندارد.

ارتباط مرد با زنان دیگر خود آسیب دیگری به همراه دارد با عنوان:

برآورده‌نشدن نیازهای زنان در خانواده غربی

«مشکل اصلی زن این است که در اساسی‌ترین و فطری‌ترین نیازهایش یعنی نیاز مادری و نیاز همسری، نیاز عاطفه و محبت نسبت به نزدیکانش این‌طور دچار ناکامی و وحشی‌گری و اذیت و فشار بشود و این چیزی است که امروز در دنیای غرب وجود دارد» (بیانات در ۸ / ۱۱ / ۱۳۷۶).

جایگاه مادری در فرهنگ غرب

طبق دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای «زن تربیت‌کننده است. حال تربیت‌کننده انسان‌های با فضیلت و شجاع یا انسان‌های بی‌ارزش و بی‌ایده‌آل» (بیانات در ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۳). به خاطر این ویژگی است که نقش مادری به زن سپرده شده است؛ چراکه «این مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود با روح خود با خلق خود و با رفتار خود دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند» (بیانات در ۵ / ۱۳۸۴). «مادری» معمولاً به مفهوم توجه و مراقبت از کودکان، ارضای نیازهای مادی، عاطفی و روانی و احساس مسئولیت در قبال آنها و هم‌چنین برقراری مناسباتی است که نیازهای آنها را برآورده می‌کند (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۱۶۷ به نقل از: سی اف آدامس). «نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد» (بیانات در ۵ / ۵ /

۱۳۸۴). مادر در محیط امنی که خانواده نام دارد می‌تواند این نقش مهم را انجام دهد. محیطی که نیازهای عاطفی، روحی و روانی و جسمی و جنسی او به بهترین شکل برآورده شود تا بتواند عملکرد صحیحی برای فرزندپروری داشته باشد. هم‌چنین تداوم و استحکام یک خانواده در گرو انجام تکالیف مکمل از سوی هر یک از اعضا به‌ویژه زن و شوهر است. در غیر این صورت، استرس‌های ناشی از عدم توجه به نقش‌ها منشأ اختلال در خانواده است (مینوچین، ۱۳۷۶: ۸۱).

وقتی در فرهنگ غرب زن از خانواده جدا شد و طبق بیان آیت‌الله خامنه‌ای حتی زندگی زناشویی هم در حد یک قرارداد صرف بدون برقراری ارتباطات عاطفی و گرم خانوادگی شکل می‌گیرد، زن در جامعه دچار نابسامانی‌ها و مشکلات عدیده‌ای است که فرهنگ غرب امروزه با آنها دست به‌گریبان است و اگر روزی زنان تحت ستم شوهران و پدرانشان بودند امروز در غرب تحت ستم مردان جامعه‌شان هستند. با ظهور انقلاب صنعتی و تحولی که سرمایه‌داری پشتیبان آن بود در کنار افکار فمینیستی، زنان نیز به دنبال انباشت سرمایه راهی بازار کار شدند که اولین مانع در این زمینه وجود مسئله مادری و پرورش فرزندان بود. بنابراین یا باید نقش مادری را انکار کرد (طبق نظر فمینیست‌های رادیکال) یا این نقش‌ها را به نهادهای اجتماعی مانند مهدکودک‌ها سپرد که در هر دو صورت نقش مادر در تربیت فرزند کمرنگ شده و این در حالی است که طبق نظر کارشناسان تربیتی کودک به‌خصوص در سه سال اول زندگی به حضور پرمهر مادر برای سلامت و رشد جسم و روان خود نیاز دارد. در واقع، این جنبش زنان را در موقعیتی قرار داد که دیگر میل و رغبتی برای مادر شدن و مادری کردن نداشتند. آنها درگیر مسائلی جذاب‌تر از بارداری، زایمان، شیردهی و

تربیت فرزند شده بودند که نتایج زودبازده تری به همراه داشت. اما نکته این جا بود که موضوعاتی که فمینیست‌ها برای دفاع از زنان و رهایی آنان از زندان مادری مطرح کرده بودند، مانند سقط جنین، ناهمجنس‌خواهی اجباری، هرزه‌نگاری، فن‌آوری تولید مثل که در اصطلاح به آن مادر میانجی می‌گویند و پیشنهاد سوسیالیسم جنسی و غیره، جایی برای تعهدات اخلاقی باقی نگذارده است (حسینی مجرد، ۱۳۹۱).

اختلالات خانواده در فرهنگ غرب

خانواده یکی از مهم‌ترین و پراهمیت‌ترین نهادهای اجتماعی است؛ زیرا سلامت یا ناسلامتی جامعه را در دست دارد و در بنای جامعه و حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها و روابط خویشاوندی و پرورش کودک و تعادل روانی و عاطفی نقش مهمی دارد (یزدخواستی، ۱۳۷۲: ۳۲۱). از طرفی، خانواده با جامعه در تعاملی دو طرفه است؛ یعنی هم خانواده و چالش نقش‌های اعضای آن در روند جامعه تأثیر می‌گذارد و هم خانواده از جامعه و مبانی فرهنگی حاکم بر آن تأثیر می‌پذیرد. فرهنگ غرب با مبانی خود مانند اومانیزم (فمینیسم در ابتدا ماهیتی اومانستی داشته است که طبق آن هر فرد هر نوع سبک زندگی را که می‌خواهد برای خود برگزیند و بر این باورند که در روابط زناشویی، شادکامی و لذت خودمحو رانۀ زن و شوهر اصل است، نه تشکیل خانواده و تربیت فرزند (کوتیان، ۱۳۸۸: ۶۷)) و سکولاریسم (چون کلیسا در غرب دچار فرایند سکولاریزاسیون شد، خانواده نیز پستوانۀ اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خود را از دست داد؛ بنابراین فروپاشی خانواده از سکولاریسم آغاز شد (فیاض، ۱۳۸۲) خانواده را دچار چالش‌هایی کرد که تأثیر آسیب‌های این فرهنگ از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای شامل این موارد است:

سبک کردن امر ازدواج در نظر مردم

یکی از گنا‌هانی که غرب نسبت به بشریت انجام داده این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرده است و تشکیل خانواده را امری کوچک شمرده است (بیانات در ۱۸/۶/۱۳۷۶). یکی از راه‌حل‌های فمینیسم برای روابط جنسی و رهایی از ازدواج، ترویج ازدواج‌های آزاد یا به عبارتی هم‌زیستی است. این ایدئولوژی و طرز تفکر به این معناست که ازدواج نباید قانونی باشد تا در آن مرد و زن زندگی، نقش متفاوت و مکمل یکدیگر را ایفا نمایند، بلکه رابطه آنها باید مانند دو هم‌اتاقی باشد که هریک به‌طور کامل و مستقل خود را به محیط کار متعهد می‌سازند؛ یعنی چیزی شبیه به روابط همجنس‌بازان، لیکن میان دو غیرهمجنس (گراگلیا، ۱۳۸۶: ۳۲). در واقع، با دادن طرح‌هایی این‌چنین در فرهنگ غربی، خانواده آن اهمیت و قداستی که برای تأمین آرامش، امنیت و برآورد نیازهای روانی و جسمی اعضای خود مورد نظر داشته است را از دست می‌دهد و بدین صورت آسیب‌های بعدی در جامعه روی خواهد داد.

ضعف خانواده در اثر دامن زدن به مسئله شهوات و گسترش بی‌بندوباری

«وقتی بی‌بندوباری جنسی در جامعه به وجود آمد، زن و مرد به محیط خانواده علاقه‌ای نخواهد داشت. اگر خانواده قوی بود زمینه فساد در جامعه رشد پیدا نمی‌کند. این یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اسلام است برای این که در سطح جامعه بی‌بندوباری جنسی و برآمدن شهوات به صورت آزاد و بی‌قید و شرط وجود نداشته باشد» (بیانات در ۱۹/۷/۱۳۶۵). تنظیم روابط جنسی و مشروعیت بخشیدن به تمایلات جنسی توسط خانواده صورت می‌گیرد و یک جامعه بدون داشتن مکانیسمی برای جایگزینی نسلی به جای نسل فعلی‌اش قادر به ادامه حیات نیست، خانواده وسیله‌ای

ثابت و نهادینه شده برای جایگزینی به حساب می آید (عظیم زاده، معینی فر، ۱۳۹۱). وقتی در جامعه ای روابط آزاد جنسی برقرار شود اعضای آن تمایلی برای تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت ادراة آن ندارند و بدین ترتیب هم باعث بی بندوباری در جامعه رواج می یابد و هم تشکیل نسل های پاکیزه با خطر مواجه می شود و بدین ترتیب جامعه به سستی می گراید.

افزایش رفتارهای غیراخلاقی مانند همجنس گرایی

مسئله همجنس گرایی یا ازدواج های دو جنس مشابه، چاله های عمیق و خطرناکی است که فرهنگ غرب دچار آنها شده است (برگرفته از بیانات در ۱۳۹۲/۲/۲۱) که این همه، هم به دلیل افکار فمینیستی است (که در مبحث مادری به آن اشاره شد) و هم به مدد رواج و عادی شدن فسادهای جنسی و اخلاقی از طرف دیگر است. بسیاری از فمینیست ها برای رهایی از انقیاد زنان در خانواده سنتی، همجنس گرایی را جایگزین مناسبی برای آن می دانند و از آن به عنوان خانواده آزاد و شاد نام می برند (هاجری، ۱۳۸۲: ۸۲)؛ اما بسیاری از مشکلات اجتماعی، ناشی از همین نوع خانواده ها است؛ برای نمونه می توان به افزایش بیماری های مقاربتی، مشکلات روحی روانی، خلأهای روحی فرزندان که در این نوع خانواده ها پذیرفته می شوند و غیره اشاره کرد (روح افزا، ۱۳۹۱).

پایین آمدن سن تبهکاری

«وجود نوجوانان تبهکار جنایتکار معتاد و فاسد در جوامع غربی ناشی از اهمیت ندادن زنان به خانواده و تربیت صحیح فرزندان است (بیانات در ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). فمینیسم با همسان جلوه دادن نقش های زن و مرد باعث شده کودکانی که با این



الگوی غیرجنسیتی توزیع نقش‌ها جامعه‌پذیر می‌شوند بیش از سایر کودکان در معرض سقوط در گرداب بی‌ثباتی خانواده قرار گیرند (عظیم‌زاده و معینی‌فر، ۱۳۹۱ به نقل از: بستان). «نسل‌های بی‌هویت، در مانده و سرگشته، انسان‌های تنها» (بیانات در ۲۸ / ۲ / ۱۳۷۴) و «کثرت کودکان خیابان‌خواب» (بیانات در ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۸۳)، از جمله آفت‌هایی است که نوع نگاه به زن و خانواده در فرهنگ غرب برای جامعه غربی به بار نشانده است.

سؤال دیگری که باید به آن پاسخ گفته شود این است که چرا فرهنگ غرب این چنین از ناحیه خانواده دچار آسیب شده است؟ از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین علتی که می‌توان روی آن تکیه کرد «نگرش نادرست جهان امروز به هویت و شخصیت واقعی زن و مرد و چگونگی روابط و همزیستی میان آنان است» (بیانات در ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۰).

فرهنگ غرب، به خصوص بعد از گسترش افکار و ایده‌های مادی‌گرایی و تجربه‌گرایی و توجه صرف به این بُعد از ابزار علمی، در مورد شناخت زن دچار مشکلات زیادی شد. فرهنگ غرب نه فقط در مبحث مربوط به زن، بلکه در دیدی وسیع‌تر در مباحث انسان‌شناختی با ضعف‌ها و کاستی‌های فراوانی مواجه گردید. انسان یک موجود پیچیده و چند بُعدی است و فقط با ابزارهای حسی بشری قابل شناخت نیست که بتوان بر اساس آنها قوانین مربوط به او را وضع کرد.

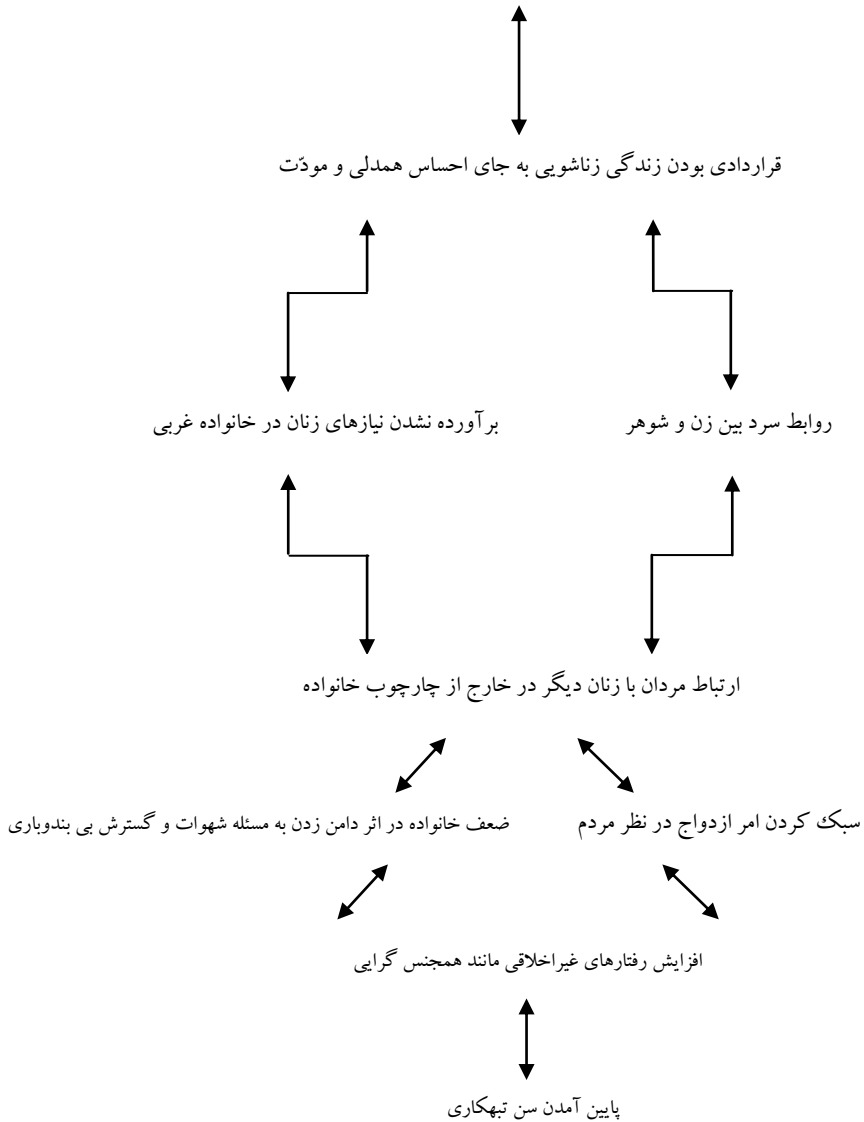
شناخت ناقص از وجود زن در فرهنگ مادی‌گرایی غرب، او را چونان ابزاری برای برآوردن نیازهای صرفاً جسمی و مادی دیگر انسان‌ها معرفی می‌کند؛ چه در دوران قدیم که ابزار و وسیله‌ای در حد حیوانات بود و چه اکنون که اگرچه به بعضی حقوق حقه خویش رسیده است. امروزه نیز نگاه کلی درباره زن او را ابزاری برای پیشرفت مادی سرمایه‌داران در آورده

است. شعارهای انسان‌مدارانه و آزادی‌خواهانه مدافعان زنان نیز ادعایی بیش نیست. غرب وقتی آموزه‌های دینی را برای حل مشکلات جامعه ناکافی و غیرکارآمد دانست و این آموزه‌ها را در حد دین‌داری درونی افراد تقلیل داد، به دلیل عدم اشراف کامل بر روی انسان با ابعاد پیچیده‌ای که دارد، در مواجهه با انسان و نیازمندی‌ها او دچار چالش‌های اساسی شد.

تصور غرب از احیای حقوق زن در حد پایین آوردن زن در دخالت در امور سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های جسمی و جنسی وی بوده است و چیز بیشتری به وی نداده است.



نمودار (۲): نگرش نادرست جهان امروز به هویت و شخصیت واقعی زن و مرد و چگونگی روابط و همزیستی میان آنان



نتیجه‌گیری

خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است که با جامعه در تعاملی دوطرفه است؛ هم مبانی فکری و ایدئولوژی حاکم بر فرهنگ جامعه روی خانواده اثر می‌گذارد و هم خانواده با تغییراتی که در کارکرد و ساخت خویش دارد می‌تواند در جامعه و روند رو به رشد آن مؤثر باشد. مُدرن‌سیم با مبانی خویش بسیاری از نهادها از جمله خانواده را تغییر داد و موجب ایجاد چالش‌های اساسی در جامعه شد. خانواده در دنیای امروز بسیاری از وظایف خود را از دست داده است. پیدایش مؤسسات متعدد آموزشی هم‌چون مهد کودک، کودکستان، دبستان، سازمان‌های اقتصادی، حقوقی، قضایی و انتظامی که بخش فراوانی از وظایف خانواده را انجام می‌دهند موجب محدود شدن وظایف خانواده گردیده است (وثوقی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

در این پژوهش این آسیب‌ها از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بررسی شده است. در مجموع سه شاخص از طریق روش تماتیک استخراج و از طریق روش تحلیل محتوا بررسی کمی و کیفی گردید. طبق دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در فرهنگ غرب نیازهای روحی و روانی و احساسی زن در چارچوب خانواده برآورده نمی‌شود و به دلیل فقدان رابطه گرم و صمیمی بین زوجین، آنها رفع این نیازها را در خارج از خانواده دنبال می‌کنند؛ چراکه در فرهنگ غرب، روابط جنسی می‌تواند آزادانه و بدون هیچ قیدوبندی برقرار شود. این اتفاق منجر به ایجاد یک دور معیوب می‌شود؛ هم روابط آزاد جنسی موجب سستی خانواده‌ها می‌شود و هم این سستی منجر به کاهش اهمیت ازدواج می‌گردد؛ افراد یا به روابط همجنس‌گرایانه روی می‌آورند یا دیر ازدواج می‌کنند و بدین ترتیب موجبات ویرانی اجتماع انسانی فراهم می‌آورند.

مبحث مادری نیز باید به این مطلب افزوده شود. در فرهنگ غرب با گسترش افکار فمینیستی، مادری به عنوان وسیله‌ای برای به انقیاد کشاندن زنان به شمار آمد. زنان غربی در دامن این فرهنگ از این وظیفه و نقش سر باز می‌زنند و آن را به مهدکودک‌ها و مراکز نگهداری فرزندان محول می‌کنند و بدین ترتیب به نسل‌های خویش آسیب‌های جدی وارد کرده و موجبات بی‌هویتی فرزندان، افزایش جرم و جنایت، افزایش سقط جنین و غیره را فراهم می‌کنند.

این بحران‌ها تا حدی است که امروزه خود غربی‌ها با ساختن فیلم‌هایی که خانواده را مورد ستایش قرار می‌دهد، سعی دارند جایگاه از دست رفته نهاد خانواده را برگردانند. برای مثال، در فیلم کودک «آپ»، نشان خوشبختی را بر محور خانواده قرار می‌دهد. البته غرب باید بداند که برای ترمیم آسیب‌ها نیاز به پشتوانه‌ای به نام «دین و دستورالعمل‌های دینی» دارد تا راه از بی‌راهه مشخص شود و سردرگمی ایجاد نشود. ریدلی اسکات با ساختن فیلم «تلما و لوئیز» محصول ۱۹۹۱ دو زن را نشان می‌دهد. تلما زنی خانه دار ولی تحت سلطه همسرش و لوئیز زنی که بیرون از خانه کار می‌کند و مستقل است. هر دوی این زنان به لحاظ فشار موقعیتی از محیط خویش فرار کرده و دچار آسیب‌های فراوانی می‌شوند. البته در ابتدا احساس آزادی کرده ولی بعداً چون نیاز به احساس حمایت می‌کنند دچار سرگشتگی‌هایی می‌شوند. اسکات در این فیلم نشان می‌دهد که محیط خانه بدون هیچ قانون و حمایتی از زن و محیط بیرون نیز به دلیل عدم حمایت از زن وی را دچار آسیب‌هایی می‌کند. در این جا نیز زن را یک موجود سرگشته معرفی می‌کند که هیچ کجا حقوق وی دارای اهمیت نیست.

این درحالی است که در نظام اسلامی، باب مهمی درباره حقوق خانواده و زن مطرح است. این حقوق نه تنها به رسمیت شناخته می‌شود، بلکه پشتوانه اجرایی نیز دارد.

براونینگ در مقاله‌ای مستند (browint, ۲۰۰۱:۴) می‌نویسد که پدیده‌های مُدرن‌سازی و جهانی‌سازی منشأ نیروهای اخلاک‌گر در الگوهای زندگی هستند (جی. ام. وورستر، ۲۰۰۸). نویسنده در این مقاله اذعان می‌کند راه‌حل اصلی برای این بحران برگشت به آموزه‌های مسیحی درباره ازدواج و تشکیل خانواده است. این، نشان می‌دهد که در فرهنگ غربی نیز خلأ دین و مشکلات آن درک شده است.



منابع

۱. احسانی، محمد، ۱۳۸۳، «خانواده»، در: معرفت، شماره ۸۱.
۲. اسفندیاری، سرور، ۱۳۸۷، «خانواده در هیاهوی دنیای مُدرن»، در: پیوند، شماره ۳۵۱.
۳. بستان، حسین، ۱۳۸۴، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حسینی، ابراهیم، ۱۳۷۹، «فمینیسم علیه زنان»، در: کتاب نقد، شماره ۱۷.
۵. حسینی مجرد، اکرم، ۱۳۹۱، «بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی»، در: کتاب *اندیشه‌های راهبردی*، تهران: پیام عدالت.
۶. چراغی کوتیانی، ابراهیم، ۱۳۸۸، *خانواده، اسلام و فمینیسم*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۷. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. روح‌افزا، فرشته، ۱۳۹۱، «مقایسه خانواده در اسلام و غرب»، در: کتاب *اندیشه‌های راهبردی*، تهران: پیام عدالت.
۹. رودگر، نرجس، ۱۳۸۸، *فمینیسم*، قم: حوزه علمیة خواهران.
۱۰. سیاهپوش، امیر، آقاپور، امیر، ۱۳۹۰، *فرهنگ در منظر آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران: مرکز نشر شهر.
۱۱. عظیم‌زاده، فائزه، معینی‌فر، محدثه، ۱۳۹۱، «تقابل فمینیسم و کارکردهای خانواده»، در: کتاب *اندیشه‌های راهبردی*، تهران: پیام عدالت.
۱۲. علاسوندف، فریبا، ۱۳۹۰، *زن در اسلام*، جلد ۱، قم: دفتر مطالعات زنان، نشر هاجر.



۱۳. فیاض، ابراهیم، ۱۳۸۲، «دولت مُدرن و فرایند تضعیف خانواده»، در: ماهنامه پگاه حوزه، شماره ۱۲۴.
۱۴. قدوسی زاده، حسن، ۱۳۸۹، *نکته‌های ناب*، جلد ۱، قم: دفتر نشر معارف.
۱۵. چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۸۸، *خانواده در اسلام و فمینیسم*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۱۶. گراگلیا، ۱۳۸۶، «آرامش در خانه»، ترجمه مریم فرهمند، در: *مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده*، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۷. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
۱۸. محمدی پور، احمد، ۱۳۹۰، *روش تحقیق کیفی*، ضد روش، جلد ۱، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۱، *از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: نشر شیرازه.
۲۰. مهدوی، سیدمحمدصادق، ۱۳۸۳، «خوانش انتقادی اشتغال زنان»، در: *حوراء*، شماره ۸.
۲۱. مینوچین، سالوادور، ۱۳۷۶، *خانواده و خانواده‌درمانی*، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. هاجری، عبدالرسول، ۱۳۸۲، *فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو*، قم: بوستان کتاب.
۲۳. هام، مگی؛ گمبل، سارا، ۱۳۸۲، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی و نوشین احمدی خراسانی، تهران: توسعه.
۲۴. هولستی، ال-آر، ۱۳۷۳، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده‌امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.



۲۵. وثوقی، منصور و نیک‌خُلق، علی‌اکبر، ۱۳۸۳، مبنای جامعه‌شناسی، تهران: بهینه.

۲۶. یزدخواستی، بهجت، ۱۳۷۲، زنان و تغییرات اجتماعی، اصفهان: انتشارات مانی.

۲۷. یوسف‌زاده، حسن، ۱۳۸۵، «پیامدهای فمینیسم در خانواده غربی»، در: کتاب زنان، سال هشتم، شماره ۳۲.



آسیب شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله
علیه السلام